

روزی

یاسر محدث مجتهدی

روزی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مقدمه

روزی از مباحث اساسی در دین است؛ از اعتقادات آغاز، و تا اعمال ادامه پیدا می‌کند. امروز این مبحث اهمیت روزافزونی نیز یافته است. چرا که بحث‌های اقتصادی در جوامع امروزی از مسائل اساسی جامعه است. در جامعه‌ی ما نیز به علت مشکلات اقتصادی فراوانی که به وجود آمده است، این بحث اهمیت بیشتری یافته است.

در گذشته زندگی مردم، ساده و بی‌آلایش بود. با زحمت فراوان درآمدی به دست می‌آوردند، معمولاً آن را از لطف خدا می‌دانستند، و به آن چه داشتند راضی بودند. تفاوت سطح بین مردم چنان نبود که حس عدم رضایت آن‌ها را آزار دهد. آنان که سطح مالی بالایی داشتند، مانند سردمداران، خان‌ها و ... ، آنقدر برای عموم مردم دست‌نیافتنی بودند، که فاصله‌ی مالی با آن‌ها مردم را دچار یأس نکند. در آن زمان وقتی گفته می‌شد روزی دست خداست، کسی شکی در آن نمی‌کرد. و سؤالی برایش ایجاد نمی‌شد که نیاز به توضیح داشته باشد.

در حال حاضر شرایط بسیار تغییر کرده است. درآمد نقش اول را در زندگی ایفا می‌کند. پشتوانه‌ی مالی در شرایط دشوار اقتصادی حرف اول را می‌زند. طی چند ماه، ارزش دارایی شخص یک چهارم می‌شود. برای مثال اگر سال‌ها پولی را

جمع کرده بود تا خانه‌ای بخرد، ناگهان پولش آنقدر بی‌ارزش می‌شود که با آن پول به جای خانه باید ماشینی بخرد. در این شرایط باور این که روزی دست خداست، (اگر بحث روزی به درستی فهمیده نشده باشد) منجر به دشمنی با خدا می‌شود. سؤالات بسیار زیادی پیش آمده است که متأسفانه بی‌جواب مانده‌اند. و کسی نیست که به آن‌ها جواب دهد.

شرح فوق تنها درآمدی برای ورود به بحث بود، اهمیت این موضوع در همه‌ی زمان‌ها و برای تمامی اشخاص غیر قابل انکار است. در نتیجه لزوم نوشتاری که بتواند مبانی روزی را توضیح دهد، و سؤالات رایج را پاسخ دهد حس می‌شود.

با دو روش می‌توان بحث را پیش برد:

۱. بحث نقلی: گردآوری آیات و روایات درباره‌ی روزی، و تحلیل و بررسی آنها.

۲. بحث عقلی: معیار بحث را عقل قرار داد، و با براهین عقلی بحث را به سرانجام رساند. سپس نتایج به دست آمده را

به نصوص عرضه کرد.

منظور از تطبیق نتایج با نصوص، تطبیق نصوص با نظریات عقلی نیست، که خود شعبه‌ای از تفسیر به رأی است. بلکه مراد تطبیق دادن نظریات عقلی با نصوص است.

مبنای این رساله را روش دوم قرار می‌دهیم. علت این است که ریشه‌ی بحث روزی در عقاید است. و تا در بحث عقاید حلّ و فصل نشود، متقن نخواهد بود. به علاوه که بهترین روش، در بحث‌های اعتقادی که منتج به یقین نیز هست، روش عقلی است. به همین جهت تلاش خواهیم کرد، با مدار عقل بحث را پیش برده، و در انتها آن را به نصوص عرضه کنیم. امید دارم که خداوند متعال به فضلش یاری رساند. **أَلَمْ تَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ وَاكِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ.**

بخش اول

معنای لغوی

در کتاب مقایس اللغه آمده است:

عطاء لوقت، ثمّ يحمل عليه غير الموقوت.

در صحاح آمده است:

الرزق ما ينتفع به.

در مفردات راغب آمده است:

يقال للعطاء الجاري تارة دنيويا كان أم أخرويا، و للنصيب تارة.

در التحقيق مرحوم مصطفوی آمده است:

هو إنعام مخصوص بمقتضى حال الطرف، و مطابق احتياجه لتدوم به حياته، و يكون بالادرار و بالجريان اللازم.

دقت در معنای لغوی رزق، معنا را روشن می‌کند: رزق به معنای آن چیزی است که از آن نفع و بهره‌ای به انسان برسد. این تحلیل نشان می‌دهد که رزق، مساوی درآمد نیست. به عبارت دیگر برابر وجه نقد نیست. بلکه هر آن چیزی است، که برای انسان فایده داشته باشد. برای مثال اگر کسی انسان را برای غذایی دعوت کند، مطابق معنای لغوی، آن وعده‌ی غذا روزی است. یا در مثالی دیگر اگر کسی ما را از جایی به جایی دیگر ببرد، چون نفع از آن برده‌ایم رزق است. پس روزی به اختصار هر آن چیزی است که به انسان نفع می‌رساند.

ابتدا لازم است چند امر به عنوان مقدمه توضیح داده شود:

۱.۱ انسان در زندگی نیازهای بسیاری دارد، که برای رفع آنها فعالیت‌هایی می‌کند. این رفع نیاز به صورت مستقیم یا غیر مستقیم است. مستقیم مانند نانوايي که برای خودش نان می‌پزد؛ و غیر مستقیم همان نانوا وقتی با پول به دست آمده از فروش نان، اجاره خانه‌اش را می‌دهد. در نتیجه روزی در نگاه اول، رابطه‌ی مستقیمی با کار و فعالیت دارد. اگر این نانوا در خانه بنشیند و هیچ فعالیتی نکند، هر دو نوع روزی را به ظاهر نخواهد داشت.

۲.۱ مواردی در زندگی انسان پیش می‌آید که گویی مقدمه‌ی اول را تخصیص می‌زند. برای مثال، وقتی کسی خانه‌ای را در اختیار انسان می‌گذارد، تا در آن زندگی کند؛ انسان بدون هیچ فعالیتی، روزی را به دست آورده است، که با معنای لغوی آن هم تطابق دارد.

۳.۱ اتفاقات دیگری در زندگی انسان می‌افتد که روزی زحمت کشیده و نکشیده را از دست انسان خارج می‌کند. برای مثال فرزند انسان مریض می‌شود، و برای درمانش شخص مجبور می‌شود وجوه بسیاری را بپردازد.

با در نظر گرفتن سه مقدمه‌ی فوق، روشن می‌گردد که روزی با آنچه در ابتدا ممکن بود در ذهن ما باشد، متفاوت است. و قاعده‌ی کلی که تلاش می‌کنی، و درآمدی به دست می‌آوری و آن رزق است؛ نمی‌تواند باشد. رابطه‌ی روزی و کار، عام و خاص من وجه است. در این جا لازم است، برای شروع بحث نگرش خود را تغییر دهیم. و آنچه در تصورمان بود را کنار بگذاریم. و دوباره با تأمل بیشتری در این خصوص فکر کنیم.

۲. خداوند متعال هستی محض است. بسیط محض است. و در عین حال احد است به وحدت حقیقیه محضه. این چند گزاره در فلسفه و عرفان نظری اثبات شده است. فارغ از روش‌های متفاوت برای اثبات آن‌ها در اصلش شکی وجود ندارد. پس از این مهم، باید دانست که اسماء و صفات الهی عالم را ایجاد کرده است. به عبارت علمی‌تر عالم مظهر اسماء و صفات الهی است. یعنی هرچه در عالم دیده می‌شود، ظهور و تجلی اوست. با این مقدمه‌ی دوم، روشن است که وقتی صفتی برای خدا به کار می‌رود، آن صفت مختص اوست. وقتی او قادر است، دیگر قدرتی برای غیر در عالم قابل فرض نیست. وقتی او رزاق است، دیگر روزی دهنده‌ای غیر از او وجود ندارد، و هكذا. این انحصار اسماء و صفات در خداوند، علاوه بر براهین عقلی، با براهین نقلی هم تأیید می‌شود.

نتیجه: روزی منحصرأ دست خداست. یعنی فقط او روزی می‌دهد، و فقط او می‌تواند روزی را بگیرد. و دیگری نقشی در آن ندارد.

سؤال اساسی

با پذیرش نتیجه‌ی فوق‌سؤالات مهمی ایجاد خواهد شد:

اگر روزی منحصراً دست خداست، چرا باید کار کنیم؟ چرا معمولاً آن‌ها که فعالیت بیشتری می‌کنند، زندگی بهتری دارند؟ چرا عموم جامعه‌ی متدینین زندگی سختی دارند؟
و سؤالات اساسی‌تر؛ مانند این که پیشرفت علم اقتصاد، راه‌های کسب درآمد را مشخص کرده است، خدا کجای این معادله است؟

پاسخ تفصیلی

همان‌طور که گذشت، رابطه‌ی روزی با کار، عام و خاص من وجه است. ممکن است کار تبدیل به روزی شود، و ممکن است کار منجر به روزی نشود، چنان‌که امکان دارد، روزی از غیر کار به دست آید. این مطلب ما را به این نتیجه می‌رساند که روزی مساوی با درآمد نیست. منظور از درآمد همان‌طور که روشن است پول و وجه نقد است. درآمد می‌تواند تبدیل به روزی شود یا نشود. برای فهم این گزاره، مجدد به معنای لغوی روزی توجه کنیم. روزی آن چیزی است که انسان از آن بهره می‌برد. پس بسیار اتفاق می‌افتد که انسان درآمدی را به دست می‌آورد ولی نمی‌تواند از آن بهره‌ای ببرد. برای مثال حقوق ماهیانه را می‌گیرد، و از او دزدیده می‌شود. یا تصادفی می‌کند و برای تعمیر ماشینی که با آن تصادف کرده است، هزینه می‌شود. از این‌جا معلوم می‌شود که رابطه‌ی درآمد با روزی هم عام و خاص من وجه است. یکی از ایراداتی که در بیان روزی وجود دارد، برابر گرفتن درآمد با روزی است که شبهه‌های بسیاری را در پی

خواهد داشت. پس تا این جای بحث توجّه کنید که رابطه‌ی مستقیمی بین روزی با درآمد، و روزی با کار و فعالیت، و همین‌طور بین کار و درآمد وجود ندارد.

البته باید دانست که بین کار و درآمد رابطه‌ی اعتباری وجود دارد، که در جامعه پذیرفته شده است. به این معنی که در ازای کار، درآمد است. اما این‌طور نیست که تنها راه به دست آوردن درآمد، کار باشد.

اگر این اصل درست فهمیده شود، در مرتبه‌ی بعد دانسته خواهد شد که راه انحصاری کسب روزی، کار نیست. در این جا نمی‌خواهیم ارتباط مطلق درآمد را با روزی انکار کنیم، چرا که درآمدهای بسیاری که تبدیل به روزی می‌شوند. بلکه می‌خواهیم رابطه‌ی علیّت را بین درآمد و روزی نفی کنیم. روشن است که مراد از علیّت، علّت منحصره‌ی فلسفی نیست. بلکه علّت عرفی نزد مردم است، که گمان می‌کنند درآمد، علّت روزی است. در نتیجه تصوّر عرف مبنی بر رابطه‌ی علیّی بین درآمد و روزی، خللی در علّت منحصره بودن خداوند در رزاقیت نیست.

حال به سراغ پاسخ سؤال اول می‌رویم:

دلیل کار کردن، کسبِ روزی نیست. بلکه فواید بیشماری است که برای انسان دارد. فواید کار کردن برای انسان، در رساله‌ای مستقل باید نگاشته شود. توصیه‌ی عقل و شرع به کار کردن برای انسان، رشدی است که بدون آن تحققش قریب به محال است. و این رشد، در مسیر معنوی هم کمک حال انسان است. به همین جهت است که حتی انسانی که توانایی مالی بالایی هم دارد، باید فعالیت داشته باشد، و کار کند. با این‌که مبنای بخش اول این نوشتار آوردن نصوص نیست. ولی چون در بخش دوم، اهمّیت کار بالاستقلال مطرح نخواهد شد، به چند روایت اشاره می‌شود:

۱. عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ الْجَامُورَانِيِّ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي حَمَزَةَ عَنْ أَبِيهِ قَالَ: رَأَيْتُ أَبَا الْحُسَيْنِ ع يَعْمَلُ فِي أَرْضٍ لَهُ قَدْ اسْتَنْقَعَتْ قَدَمَاهُ فِي الْعَرَقِ فَقُلْتُ جُعِلَتْ فِدَاكَ أَيُّنَ الرَّجَالِ فَقَالَ يَا عَلِيُّ قَدْ عَمِلَ بِالْيَدِ مَنْ هُوَ خَيْرٌ مِنِّي وَمِنْ أَبِي فِي أَرْضِهِ فَقُلْتُ وَمَنْ هُوَ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص وَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع- وَ آبَائِي كُلُّهُمْ كَانُوا قَدْ عَمَلُوا بِأَيْدِيهِمْ وَ هُوَ مِنْ عَمَلِ النَّبِيِّينَ وَ الْمُرْسَلِينَ وَ الْأَوْصِيَاءِ وَ الصَّالِحِينَ.

۲. قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع أَقْرَبُوا مَنْ لَقَيْتُمْ مِنْ أَصْحَابِكُمُ السَّلَامَ وَ قُولُوا لَهُمْ إِنَّ فُلَانَ بْنَ فُلَانٍ يُقَرِّئُكُمُ السَّلَامَ وَ قُولُوا لَهُمْ عَلَيْكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ وَ مَا يُنَالُ بِهِ مَا عِنْدَ اللَّهِ إِنِّي وَ اللَّهُ مَا أَمْرُكُمْ إِلَّا بِمَا نَأْمُرُ بِهِ أَنْفُسَنَا فَعَلَيْكُمْ بِالْجِدِّ وَ الْاجْتِهَادِ إِذَا صَلَّيْتُمُ الصُّبْحَ فَانصَرَفْتُمْ فَبَكَّرُوا فِي طَلَبِ الرِّزْقِ وَ اطْلُبُوا الْحَلَالَ فَإِنَّ اللَّهَ سَيَرْزُقُكُمْ وَ يُعِينُكُمْ عَلَيْهِ.

۳. عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ: إِنِّي لَأُبْغِضُ الرَّجُلَ أَوْ أُبْغِضُ لِلرَّجُلِ أَنْ يَكُونَ كَسَلَانًا [كَسَلَانَ] عَنْ أَمْرِ دُنْيَاهُ وَ مَنْ كَسَلَ عَنْ أَمْرِ دُنْيَاهُ فَهُوَ عَنْ أَمْرِ آخِرَتِهِ أَكْسَلٌ.

۴. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: تَرَكُ التَّجَارَةَ يَنْقُصُ الْعُقْلَ.

گمان نشود که کار و فعالیت نمی تواند باعث کسب روزی شود، بلکه همان طور که عرض شد خواستیم در این چند سطر بیان کنیم، روزی دست خداست، و خداوند دستش باز است. او می تواند از هر طریقی به انسان روزی برساند. و یکی از آن طُرُق کار است. بنابراین کسی که کار و فعالیت را ترک کند، در واقع طلب روزی را ترک کرده است. چه بسا به جهت ترک این طلب، روزی اش کم شود. اما کم شدن روزی اش به خاطر کار نکردن نیست، بلکه به جهت ترک طلب است. و در مقابل همان طور که در روایات بسیاری به آن اشاره شده است، کار نشان دهنده ی طلب و خواست روزی است. به این روایت ها توجه کنید:

۱. مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ هَارُونَ بْنِ حَمَزَةَ مِثْلَهُ وَقَالَ إِنِّي لَأُبْعِضُ الرَّجُلَ فَاغْرًا فَأَهْ إِلَى رَبِّهِ فَيَقُولُ ارْزُقْنِي وَيَتْرُكُ الطَّلَبَ.

۲. عَنْ الْفُضَيْلِ بْنِ يَسَارٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عِ إِنِّي قَدْ تَرَكْتُ التَّجَارَةَ قَالَ فَلَا تَفْعَلْ افْتَحْ بَابَكَ وَابْسُطْ بَسَاطَكَ وَاسْتَرْزُقِ اللَّهَ رَبَّكَ.

در این روایات و روایات بسیار دیگر، کار را به معنای طلب روزی دانسته‌اند، و ترک آن را به معنای عدم طلب. همان طور که روشن است، کار را دلیل و سبب روزی نشمرده‌اند. در این مطلب دقت فراوان کنید، که پاسخگوی شبهات بسیاری است.

از پاسخی که داده شد جواب سؤال بعدی هم معلوم می‌گردد. آنان که فعالیت بیشتری می‌کنند، معمولاً زندگی راحت‌تری در دنیا دارند. چرا که طلبشان بیشتر است. البته به چند نکته باید توجه کرد:

۱. ممکن است شخصی علاوه بر فعالیت بسیار، روزی‌اش بیشتر نشود. همان‌طور که اکثر ما در اطرافمان از این مصادیق دیده‌ایم. دلیل این موضوع همان‌طور که عرض شد، رابطه‌ی علی‌نداشتن کار با روزی است.

۲. در مقابل عده‌ای را دیده‌ایم که علی‌رغم فعالیت کمتر، درآمد بیشتری دارند. که باز به همان دلیلی است که در مورد اول به آن اشاره شد. در واقع قانونی وجود ندارد، که هرکس فعالیت بیشتری کرد، درآمد بیشتری خواهد داشت؛ بلکه معمولاً این اتفاق می‌افتد.

۳. فراموش نکنیم که روزی با درآمد مساوی نیست. ممکن است شخصی درآمد بسیار داشته باشد. ولی نتواند از آن بهره‌برد.

۴. امروزه با پیشرفت علوم، فعالیت بیشتر به معنای کار بدنی بیشتر نیست. یک متخصص، در یک ساعت ممکن است به اندازه‌ی حقوق یک سال کارگر درآمد داشته باشد. آن تخصص هم در واقع نوعی کار و فعالیت است. در واقع امروزه کار معنایی اعم از کار بدنی دارد.

حال به سراغ پاسخ سؤال سوم برویم:

چرا عموم جامعه‌ی متدینین زندگی سختی دارند؟

این سؤال که در اذهان بسیاری از مردم وجود دارد، در واقع سؤال غلط و عوامانه‌ای است. چرا که صرفاً با اطلاعاتی ناقص و بدون پایه ایجاد شده است. بسیاری از متدینین هستند که زندگی راحت و با درآمد بسیار دارند. در مقابل بسیاری از کافران هستند که در فقر زندگی می‌کنند. این گزاره بیشتر از تطبیق جوامع مسلمان با جوامع غربی رخ داده است. که در پس آن، پیشرفت آن‌ها در علم و اقتصاد را نادیده گرفته‌است، و انتظار دارد با تنها فعالیت بیشتر، به رفاه آنان برسد. به دلالتی که عرض شد، این سؤال، سؤال درستی نیست. هیچ رابطه‌ی اثبات شده‌ای بین دین و فقر، و در مقابل کفر و رفاه وجود ندارد.

پاسخ سؤال چهارم، نیاز به تفصیل بیشتر و بیان توحید صحیح است، سؤال این بود:

پیشرفت علم اقتصاد راه‌های کسب درآمد را مشخص کرده است، خدا کجای این معادله است؟

همان‌طور که عرض شد، در روزگار حاضر، انسان‌ها باید روش‌های نوین کسب درآمد را یاد گرفته و مطابق آن عمل کنند. در غیر این صورت به ناچار باید با فعالیت بسیار، ضعف دانش خود را جبران کنند. که در موارد بسیاری این ضعف جبران‌شدنی نیست. به علاوه اگر در حوزه‌ی شخصی، به خاطر نبوغ فردی خاص، قابل جبران باشد، به طور قطع در

حوزه‌ی جامعه و دولت‌ها قابل جبران نبوده، و گریزی از آن نیست. حال سؤال اصلی این‌جاست که اگر همه چیز مبتنی بر علم است، جای خداوند کجاست؟ پاسخ این مهم با توحید متکلمین و مبانی آن‌ها غیر ممکن است. بافته‌هایی مانند سلسله‌ی علل، و علت طولی و غیره هیچ‌گاه نمی‌تواند پاسخ این سؤال را بدهد. همان‌طور که سؤال‌های بسیار دیگر هم با این توحید کلامی قابل پاسخگویی نیست. تنها راه جواب دادن به این سؤال، بیان توحید حقیقی از نگاه اسلام است. که برای دانستن آن خواهش دارم به رساله‌ای که در توحید نگاشته شده است، یا کتب عرفا مراجعه نمائید. در این جا برای به درازا نکشیدن بحث، این موضوع را رها می‌کنیم.

دو نکته:

۱. همان‌طور که چندین بار اشاره شد، روزی به معنای درآمد نیست. و هر چیزی است که انسان از آن نفع و بهره می‌برد. این گزاره در ابتدای پاسخ تفصیلی به طور مبسوط بیان شد. حال می‌خواهیم قبل از ورود به بخش دوم بحث، چند مثال دیگر برای روشن‌تر شدن موضوع بیان کنیم:

الف) شخصی که ویلایی وسیع در شمال دارد، و در سال مجموعاً حدود یک ماه در آن سکونت دارد. برای نگهداری از آن، سرایداری را گمارده است. روزی صاحب ویلا از ویلا، در سال حداکثر یک ماه است، اما روزی سرایدار در سال، یازده ماه است. در حالی که درآمد صاحب ویلا ممکن است صدها برابر سرایدار باشد. و در حالی که هیچ کدام از دو طرف آگاه به این موضوع نباشند. ممکن است سرایدار بارها و بارها اعتراض به هستی کند، که حتی خانه‌ای کوچک هم ندارد، درحالی که صاحب خانه، چند خانه دارد. ولی متوجه نیست که ممکن است تا آخر عمر در ویلایی چند میلیاردی سکونت کند.

ب) انسان ثروتمندی را فرض کنید که به علت بیماری فقط باید غذای بدون گوشت، ادویه، نمک و روغن بخورد. این شخص علی‌رغم درآمد بسیاری که دارد، هیچ بهره‌ای از درآمدش غیر از همان غذای ساده ندارد. روشن است که او روزی‌اش در خوراک همان است که مجبور است بخورد.

ج) باز انسان ثروتمندی را فرض کنیم، که میلیاردها در حسابش موجودی دارد. اما به هر دلیلی به یک ماشین قدیمی، و زندگی در یک خانه‌ی کلنگی بسنده کرده است. معلوم است که آن همه پول روزی او نیست، هرچند مال او باشد. آن پول‌ها روزی بانک و در آینده ورثه است.

د) در مقابل تمام مثال‌های فوق می‌توانید اشخاصی را تصور کنید، که درآمد بسیار کمی دارند، و در موقعیت‌های مختلف زندگی، روزی‌های بسیار در مقابلشان قرار می‌گیرد و از آن بهره می‌برند.

لطفاً توجه کنید که در پی پسندیده بودن فقر، یا نکوهش ثروت نیستیم؛ یا نمی‌خواهیم تشفی‌خاطری برای مستمندان یا آنان که درآمد کمتری دارند ایجاد کنیم. بلکه بحث علمی است. با این مثال‌ها می‌خواهیم عرض کنیم، روزی آن چیزی است که انسان به طور مستقیم از آن بهره می‌برد. می‌تواند خود مالکش باشد یا نباشد.

۲. روزی فقط در مادیات نیست؛ و در امور معنوی هم صادق است. تقریباً تمامی قواعد فوق در امور معنوی هم جاری است. همان طور که در مادیات، حرکت نشانه‌ی خواست روزی است، در معنویات هم همین‌گونه است. فعالیت‌های عبادی ما، در واقع همین طلب و خواست روزی از خداوند است. در معنویات بسیار روشن‌تر است که فقط خداوند رازق است. افسوس که ما به اعمال خود رنگ استقلال زده‌ایم، و نتیجه را از افعال خود طلب می‌کنیم.

معنای روزی، در رزق معنوی هم جریان دارد. رزق معنوی آن چیزی است که انسان از آن بهره می‌برد. پس دانسته‌ها و اعمال، اگر تبدیل به ایمان نشده باشد، هیچ فایده‌ای برای انسان ندارد. در این مطالب تأمل کنید.

بخش دوم

چنان‌که در روش بحث گذشت، در بخش دوم این نوشتار می‌خواهیم سراغ آیات و روایات رویم. و ببینیم آنچه تلاش کردیم با فکر بیابیم مورد تأیید نصوص هست یا خیر. روشن است که اگر اختلافی دیده شود، باید در روش فکری و نتایج به دست آمده تشکیک کرده، و آن‌ها را دوباره بررسی نماییم.

((قرآن))

در مواجهه با آیاتِ روزی در قرآن، ۴ مطلب اساسی وجود دارد.

اول: رزاقیت در خداوند متعال منحصر است. آیات دالّ بر این معنا فراوانند. و در فرم‌ها و بیان‌های مختلف، این انحصار دیده می‌شود. در هیچ جای قرآن اشاره‌ای به رزاقیت غیر خداوند وجود ندارد. دلیل آن، به صورت اجمالی در مقدمه‌ی دوم برهان عقلی همین نوشتار بیان شد، برای تفصیل آن به رساله‌ای که در توحید نگاشته شده است مراجعه فرمایید. چند آیه برای نمونه آورده می‌شود، البته که شمار این آیات بسیار زیاد است.

۱. سوره‌ی مائده، آیه‌ی ۸۸: وَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلالًا طَيِّبًا وَ اتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي أَنْتُمْ بِهِ مُؤْمِنُونَ.

۲. سوره‌ی یونس، آیات ۳۱ و ۳۲: قُلْ مَنْ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ أَمَّنْ يَمْلِكُ السَّمْعَ وَ الْأَبْصَارَ وَ مَنْ يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَ يُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَ مَنْ يُدَبِّرُ الْأَمْرَ فَسَيَقُولُونَ اللَّهُ فَقُلْ أَفَلَا تَتَّقُونَ* فَذَلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ الْحَقُّ فَمَا ذَا بَعْدَ الْحَقِّ إِلَّا الضَّلَالُ فَأَنْتَى تُصْرَفُونَ.

٣. سورہی نحل، آیہی ٧٣: وَ يَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَمْلِكُ لَهُمْ رِزْقًا مِنَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ شَيْئًا وَلَا يَسْتَطِيعُونَ.

٤. سورہی اسراء، آیات ٣٠ و ٣١: إِنَّ رَبَّكَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ إِنَّهُ كَانَ بِعِبَادِهِ خَبِيرًا بَصِيرًا، وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ حَشِيَّةَ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِيَّاكُمْ إِنَّ قَتْلَهُمْ كَانَ خِطْئًا كَبِيرًا.

٥. سورہی نمل، آیہی ٦٤: أَمَّنْ يَبْدُوَ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ وَ مَنْ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ أ إِلَهٌ مَعَ اللَّهِ قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ.

٦. سورہی روم، آیہی ٤٠: اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ ثُمَّ رَزَقَكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ هَلْ مِنْ شُرَكَائِكُمْ مَنْ يَفْعَلُ مِنْ ذَلِكَُمْ مِنْ شَيْءٍ سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ.

٧. سورہی فاطر، آیہی ٣: يَا أَيُّهَا النَّاسُ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ هَلْ مِنْ خَالِقٍ غَيْرِ اللَّهِ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَأَنَّى تُؤْفَكُونَ.

٨. سورہی ذاریات، آیہی ٢٢: وَ فِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ وَ مَا تُوْعَدُونَ.

دوم: مطلب بعدی در آیات قرآن، پس از انحصاریت رزاقیت خداوند متعال، روزی دادن بدون هیچ قید و شرطی به تمامی موجودات است؛ به این آیات توجه کنید:

۱. سوره‌ی هود، آیه‌ی ۶: وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا وَيَعْلَمُ مُسْتَقَرَّهَا وَمُسْتَوْدَعَهَا كُلٌّ فِي كِتَابٍ مُبِينٍ.

آیه‌ی بسیار زیبا و عجیبی است. هیچ جنبنده‌ای نیست، مگر این‌که روزی‌اش برعهده‌ی خداست. دقت نمایید در این تعهد به روزی، هیچ قید و شرطی اعم از کار و ... وجود ندارد. در بیان یعلم مستقرها و مستودعها مرحوم علامه در تفسیر المیزان بیان لطیفی دارند:

و هذا المعنى أعني كون ذكر وجوب رزق كل دابة على الله لبيان سعة علمه لكل دابة في جميع أحوالها يستوجب أن يكون قوله: «وَيَعْلَمُ مُسْتَقَرَّهَا وَمُسْتَوْدَعَهَا» بمنزلة عطف التفسير لقوله: «عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا» فيعود المعنى إلى أن كل دابة من دواب الأرض على الله أن يرزقها- و لن تبقى بغير رزق- فهو تعالى عليم بها خبير بحالها أينما كانت فإن كانت في مستقر لا تخرج منه كالحوت في الماء و كالصدف فيما وقعت و استقرت فيه من الأرض رزقها هناك و إن كانت خارجة من مستقرها و هي في مستودع سترکه إلى مستقرها كالطير في الهواء أو كالمسافر الغارب عن وطنه أو كالجنين في الرحم رزقها هناك و بالجملة هو تعالى عالم بحال كل دابة في الأرض و كيف لا و عليه تعالى رزقها و لا يصيب الرزق المرزوق إلا بعلم من الرازق بالمرزوق و خبرة منه بما حل فيه من محل دائم أو معجل و مستقر أو مستودع.

۲. سوره‌ی عنكبوت، آیه‌ی ۶۰: وَكَأَيِّنْ مِنْ دَابَّةٍ لَا تَحْمِلُ رِزْقَهَا اللَّهُ يَرْزُقُهَا وَإِيَّاكُمْ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ.

ظهور این آیه در معنای عرض شده، از آیه‌ی قبل هم بیشتر است. جنبندگان که نمی‌توانند روزی خود را به دست آورند هم از دایره‌ی روزی خدا خارج نیستند. همان‌طور که به شما روزی می‌دهد، به آنها هم روزی می‌دهد.

در ذیل این کریمه مرحوم علامه بیان بسیار زیبایی دارند: و فی تزییل الآیة بالاسمین الکریمین السمع العلیم إشارة إلى الحجة علی مضمونها و هو أن الإنسان و سائر الدواب محتاجون إلى الرزق یسألون الله ذلك بلسان حاجتهم إلیه و الله سبحانه سمیع للدعاء علیم بحوائج خلقه و مقتضی الاسمین الکریمین أن یرزقهم.

یعنی دلیل اختتام آیه به دو اسم سمیع و علیم، این است که موجودات اعمّ از انسان، با زبان حال و خواست جلیشان طلب روزی از خدا دارند، خداوند شنوا و داناست، حال آنها را از خودشان بهتر می‌داند، و روزیشان می‌دهد.

لسان آیات در بحث روزی به غایت موحدانه است. کثرت آیات روزی از مطالبی است که جای فکر بسیار دارد. انسان دائماً با بحث روزی درگیر است. روز و شبی بر او نمی‌گذرد، که دغدغهی روزی نداشته باشد. در این نیاز، بین فقیر و غنی تفاوتی وجود ندارد. حتی اغنیاء درگیری ذهنی بیشتری هم دارند. در این جا خداوند با تمام قدرتش وارد می‌شود. روزی را به خلاف باور عامه‌ی مردم منحصر در خودش می‌داند؛ می‌گوید به همه روزی می‌دهد؛ و هرچه قدر که بخواهد می‌دهد. این موضعی است که به جهت اهمیت آن برای انسان، می‌تواند او را با خدا آشنا کند.

سوم: مطلب بعدی که از آیات قرآن استفاده می‌شود: میزان روزی در حوزه‌ی من یشاء خداوند است.

۱. سوره‌ی رعد، آیه‌ی ۲۶: اللَّهُ یَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ یَشَاءُ وَ یَقْدِرُ وَ فَرِحُوا بِالْحَیَاةِ الدُّنْیَا وَ مَا الْحَیَاةُ الدُّنْیَا فِی الْآخِرَةِ إِلَّا مَتَاعٌ.

۲. سوره‌ی نحل، آیه‌ی ۷۱: وَ اللَّهُ فَضَّلَ بَعْضَکُمْ عَلَى بَعْضٍ فِی الرِّزْقِ فَمَا الَّذِینَ فَضَّلُوا بِرَادِّی رِزْقِهِمْ عَلَى مَا مَلَکَتْ أیمانُهُمْ فَهُمْ فِیهِ سَوَاءٌ أَفَبِنِعْمَةِ اللَّهِ یَجْحَدُونَ.

در این کریمه به صراحت بیان شده است که بعضی نسبت به دیگران روزی بیشتری دارند. و این کمتر و بیشتر در اختیار خداوند است.

۳. سوره‌ی روم، آیه‌ی ۳۷: أَوْ لَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ.

و آیات بسیار دیگری که دربردارنده‌ی همین معناست.

چهارم: مطلب دیگر مستفاد از آیات قرآن: روزی دادن خداوند لا یحتسب است.

سوره‌ی طلاق، آیات ۲ و ۳:

وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا، وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا.

این آیات از غرر آیات قرآن است. که در شرحش باید صفحه‌ها نگاشت. آنچه مربوط به موضوع ما می‌باشد، من حیث لا یحتسب روزی دادن خداوند است. انسان عادتاً انتظار روزی را از مجاری خاصی دارد. اما در این کریمه به وضوح بیان شده است که خداوند در قالب‌های ذهنی انسان نمی‌گنجد، و می‌تواند از جاهایی که انسان انتظارش را ندارد، به او روزی دهد. این کریمه، مؤید دیگری بر وجود نداشتن رابطه‌ای بین کار و روزی است.

آیه‌ای برای تأمل بیشتر:

سوره‌ی طلاق، آیه‌ی ۷: لِيُنْفِقْ ذُو سَعَةٍ مِّنْ سَعَتِهِ وَ مَن قُدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُنْفِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا.

بحث از این کریمه باید در بحث انفاق مطرح شود. اما در تأیید دو آیه‌ی فوق از سوره‌ی طلاق، مبنی بر این که خداوند متعال کارهایش را به روش خودش انجام می‌دهد؛ و از مؤمنین می‌خواهد اولاً به او ایمان داشته باشند، و ثانیاً موحدانه مبتنی بر همان ایمان زندگی کنند. در آیه دقت کنید، مطلب عجیبی را از مؤمنین می‌خواهد. می‌فرماید اگر روزیتان کم شد، و به تنگنا گرفتار شدید، از هرآنچه برایتان مانده است انفاق کنید. مطلب قابل تأملی است. در اذهان ما این‌طور جای گرفته است که اگر روزگار سخت شد، باید قناعت کرد، و همان اندکی که مانده است را حفظ کرد، تا روزگار سخت بگذرد؛ در حالی که نسخه‌ی خداوند کاملاً بالعکس است. می‌گوید همان را که داری هم ببخش! خداست که بعد از دشواری آسانی قرار می‌دهد. باور این معنی، نیازمند باور واقعی به خداوند است. نیازمند ایمان به رزاقیت اوست. این آیات آن‌قدر برای ما عجیبند که گویی اصلاً در قرآن نیستند. و تا به حال آن‌ها را نشنیده‌ایم.

((روایات))

روایات بسیاری درباره‌ی روزی وجود دارد. درباره‌ی اصل روزی، عوامل ازدیاد و کاهش روزی، و ... با توجه به این که بحث تا حدّ بضاعت حقیر روشن گردید، و با عرضه‌ی به آیات صحّتش مشخص شد. از نقل روایات زیاد پرهیز کرده، و صرفاً برای نمونه دو مورد را ذکر می‌نماییم.

۱. قال امیرالمؤمنین: یا بن آدم، الرزق رزقان: رزق تطلبه، و رزق یطلبک، فإن لم تأتیه أتاک. فلا تحمل همّ سنتک علی همّ یومک! کفّاک کلّ یوم علی ما فیہ؛ فإن تکن السنّة من عمرک فإنّ الله تعالی سیؤتیک فی کلّ غدّ جدید ما قسم لک؛ و إن لم تکن السنّة من عمرک فما تصنع بالهمّ فیما لیس لک؛ و لن یسبک إلی رزقک طالب و لن یغلبک علیه غالب، و لن یبطیء عنک ما قد قدر لک.

ترجمه: علی (علیه السلام) فرمود: ای فرزند آدم! روزی دو گونه است: یکی آن روزی که تو به دنبالش می‌روی، و دیگری آن روزی که به دنبال تو می‌آید. که اگر به دنبالش هم نروی باز به سراغ تو خواهد آمد. بنابراین غم و اندوه تمام سال را، بر هم و غم امروزت اضافه مکن. غم هر روز برای آن روز کافی است. اگر در تمام سال زنده بمانی، و جزء عمر تو باشد، خداوند هر روز آنچه از روزی برای تو معین کرده است را به تو می‌دهد. و اگر تمام آن سال جزء عمر تو نباشد، چرا غم و اندوه چیزی را بخوری که مربوط به تو نیست؟ (بدان) هیچ کس پیش از تو نمی‌تواند روزی تو را دریافت کند، و هیچ کس نمی‌تواند بر تو غلبه کند (اگر او نخواهد). و هیچ کس نمی‌تواند در رساندن روزی که از آن تو است کاهلی و کندی کند.

روایت جامعی است که تمامی مباحث ذکر شده را دربردارد.

۲. سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ وَسَّعَ فِي أَرْزَاقِ الْحَمَمِيِّ لِيَعْتَبِرَ الْعُقَلَاءُ وَيَعْلَمُوا أَنَّ الدُّنْيَا لَيْسَ يُنَالُ مَا فِيهَا بِعَمَلٍ وَلَا حِيلَةٍ.

روایت زیبا و صریحی در عدم اعتبار قطعی کار و روزی است.

این نوشتار صرفاً طلوعه‌ای برای ورود به بحث روزی بود، موضوع مورد بحث که نصوص فراوانی درباره‌ی آن وجود دارد، با این نوشتار کوتاه جوانبش روشن نخواهد شد. بلکه نیاز به تدقیق بیشتر، و نوشتار کامل‌تری جهت بررسی تمامی نصوص دارد. امید که در آینده این توفیق از فضل خدا حاصل گردد. و الحمد لله رب العالمین.

یاسر محدث مجتهدی

نگاشته‌ی: قم المقدسه، آذر ۱۳۹۷، ربیع الاول ۱۴۴۰